

ویژگی‌های زیربنایی روان‌شناختی فطری انسانی برای تربیت مطلوب در دوره نوجوانی؛ با تأکید بر دیدگاه اسلامی

علی نقی فقیهی^۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی فطری انسانی است که براساس آموزه‌های اسلامی در روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام برای تربیت مطلوب در دوره نوجوانی باید مورد توجه قرار گیرد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد که به منظور گردآوری داده‌ها، روایات ائمه علیهم‌السلام درباره ویژگی‌های روان‌شناختی فطری، بررسی و با روش کیفی توصیف و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که در آموزه‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام، ویژگی‌های روان‌شناختی فطری همچون کمال جاویدخواهی، میل به رشد شناختی و تعالی عقلی اجتماعی، گرایش به خوبی‌ها و خیرها، دین‌گرایی و حق‌پذیری، محبت و مهربانی، روحیه استقلال‌خواهی و عدم وابستگی به دیگران، مسئولیت‌پذیری، حفظ و ارتقا بخشی عزت نفس و تمایل به فعالیت‌های پرشور و نشاط، زیربنای تربیت مطلوب نوجوانان است.

واژگان کلیدی: روان‌شناسی دینی، ویژگی‌های روان‌شناختی فطری، فطرت، تربیت، دوره نوجوانی.

۱. مقدمه

نوجوانی یکی از مهمترین و پرارزشترین دوران زندگی هر فرد است؛ زیرا در این دوران تحولات و دگرگونی‌های جسمی و روانی ویژه‌ای پدید می‌آید که شخصیت فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوره نوجوانی و بلوغ، نقطه عطفی در گذر زندگی انسان از مرحله کودکی به بزرگسالی است. (مهاجر، ۱۳۷۹) نوجوانی مرحله بسیار مهمی از زندگی است؛ دوره‌ای که با ویژگی‌های خاص خود از دیگر دوران زندگی متمایز می‌شود و مرحله‌ای تعیین‌کننده در سیر زندگی سعادت‌مندان یا شقاوتمندان است (حسین‌خانی، ۱۳۸۵). در دوره نوجوانی تمایلات روانی خاصی به صورت نیاز نمایان و بستر به فعلیت رسیدن آنها در این دوره فراهم می‌شود (اصلانی، ۱۳۹۲) که اگر زمینه برآورده شدن این نیازها به شیوه مناسب فراهم نشود، مشکلات روانی- تربیتی زیادی نوجوان را درگیر می‌کند. بنابراین، توجه به شناخت این خواسته‌ها و نیازهای روانی قدم اساسی در کمک به تربیت، رشد و شخصیت سالم نوجوان است (اکبری، ۱۳۹۴). دین اسلام برای تربیت صحیح نوجوانان و رساندن آنها به زیست مؤمنانه، بهره‌گیری از تربیت مطلوب اثربخش را ضروری می‌داند. آشنایی مرئیان و مبلغان با خواسته‌ها و نیازهای روان شناختی نوجوانان که از فطرت آنها سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند زمینه ارتباط مناسب با آنها را فراهم کند و فرآیند تربیت مطلوب را سرعت بخشد. پژوهش حاضر ویژگی‌های روان شناختی فطری دوره نوجوانی دختران و پسران را شناسایی و بررسی می‌کند.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. بدین منظور داده‌های لازم فطرت انسانی براساس آموزه‌های اسلامی در روایات معصومان علیهم‌السلام، مطالعه و بررسی گردید و ویژگی‌های فطری انسان نیز با استفاده از فرم‌های فیش برداری از منابع روایی جمع‌آوری و با شیوه‌های کیفی، توصیف و تحلیل شد.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که خواسته‌ها و ویژگی‌های نوجوانان از زوایای مختلفی

شناسایی و تحلیل شده است، اما تاکنون پژوهش مستقلی خواسته‌های روان‌شناختی نوجوانان را که ریشه در فطرت ایشان دارد، بررسی نکرده است، اما مطالعات متعددی درباره ویژگی‌های رفتاری و روان‌شناختی نوجوانان انجام شده است که برای مثال می‌توان به پژوهش اکبری (۱۳۹۵) با عنوان نیازهای نوجوانان و جوانان اشاره کرد که ویژگی‌هایی مانند نیازمندی به سلامت، خودآگاهی، خودمدیریتی، تحصیل، شغل، فراغت و سرگرمی، ارتباط با دیگران، مدیریت روابط، درک مسائل عاطفی، اطلاعات فرهنگی، آگاهی از مسائل جهانی، کسب مهارت و راهنمایی و مشاوره را از مهمترین نیازها و ویژگی‌های نوجوانان و جوانان می‌داند. نتایج پژوهش هزارجریبی، سیدغبار، جعفری کافی‌آباد و دبستانی (۱۳۹۳) با عنوان بررسی نیازها، علایق و اولویت‌های دختران نوجوان شهر تهران نشان می‌دهد که نیاز به اعتماد عمومی و اعتماد نهادی، بالاترین اهمیت و اولویت را برای دختران دارد. شعبانی و باباگل‌زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان روان‌شناسی تربیت نوجوانان در سیره معصومین علیهم‌السلام که با رویکردی دینی و روان‌شناختی انجام شد، نیازهای اساسی نوجوان مانند نیازهای زیستی و روانی، نیاز به مهر و محبت والدین و اطرافیان، نیاز به معنویت، پذیرش و توجه دیگران، اکرام شخصیت، مقبولیت اجتماعی، تشویق، استقلال، عدالت و امنیت را بررسی کردند. سلطانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان درآمدی بر شناسایی نیازهای انسان از دیدگاه قرآن با تأکید بر برتری نیازهای معنوی در سلسله‌مراتب نیازها، نیازهای انسان را متناظر با هرم نیازهای مازلو در پنج طبقه شامل نیاز به حیات، نیاز به امنیت، نیاز به محبت، نیاز به کرامت و نیاز به کمال تنظیم کرده و تلاش کرده است تا علاوه بر ابعاد مادی نیازها بر ابعاد معنوی هر طبقه از نیازها نیز تأکید کند. مهمترین مزیت این تحقیق آن است که در هر دسته از نیازها عوامل مثبت مؤثر در تأمین نیازها و نیز موانع تأمین نیازها از دیدگاه قرآن کریم شناسایی و معرفی شده است.

در پژوهش شرفی و شرفی (۱۳۹۲) که با هدف تحلیل و مقایسه نیازهای تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی انجام شده است، بالاترین اولویت نیازهای آموزشی دانش‌آموزان در بعد شناختی را شناخت مفهوم پلورالیسم دینی، روش‌های پژوهش دینی و آشنایی با ادیان دیگر و پایین‌ترین اولویت و نیاز مربوط به

آموزش در زمینه شناخت مفهوم توکل به خدا معرفی شده است. بالاترین اولویت نیازهای آموزشی دانش‌آموزان در بعد عاطفی به ترتیب عبارتند از: آموزش درباره چگونگی احساس تعهد و پایبندی نسبت به مسئولیت در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه و پایین‌ترین اولویت نیازمربوط به آموزش در زمینه اعتقاد به معاد و جزای عادلانه انسان است. بالاترین اولویت نیازهای آموزشی دانش‌آموزان در بعد عملکردی عبارتند از: آموزش در زمینه مشارکت در نماز جمعه و پایین‌ترین اولویت و نیازمربوط به آموزش درباره چگونگی روزه‌گرفتن است.

داودی (۱۳۸۴) که گام خوبی در بررسی شیوه‌ها و روش‌های ارتباط تربیتی با نوجوانان و جوانان در اسلام برداشته است، بیان می‌کند که نوجوانی و جوانی بهترین دوره زندگی انسان است. این گروه از مهمترین سرمایه‌های هر اجتماع و نیروی فعال و کارآمد جامعه هستند. علاءالدین (۱۳۸۴) نیز در مطالعه‌ای با نام نقش داستان‌های قرآنی در نیازهای تربیتی کودکان و نوجوانان، می‌نویسد که قصه‌های قرآن کریم نقش عمده‌ای در پاسخ‌گویی به نیازها و رفع مشکلات روانی و اخلاقی کودکان و نوجوانان مانند نیازهای عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، مذهبی، نیاز به دانستن و نیاز به شناخت استعدادها و توانایی‌ها دارد.

کوپن، شون، لاتریکا و کوپن (۲۰۱۰) که درصدد نیازسنجی دانش‌آموزان دوره متوسطه بودند، نشان دادند که نیازهای اجتماعی بالاترین اهمیت را از دیدگاه دانش‌آموزان دارد و فقدان کمک از طرف بزرگسالان یکی از مهمترین خلأهای مربوط به نیازهای اجتماعی بوده است. از دیگر یافته‌های این پژوهش‌گران این است که در دوره متوسطه نیازهای نوجوانان به طور مناسب و کافی سنجیده نمی‌شود. چاکلی^۲ (۲۰۰۴) نیز با بررسی نیازهای یادگیرندگان نوجوان به این نتیجه رسید که خروج از سرگردانی میان دوره‌های کودکی و جوانی و محور قراردادن نظرات در تصمیم‌گیری‌ها از مهمترین نیازهای نوجوانان است.

جست‌وجو در پژوهش‌های منتشرشده در حوزه ویژگی‌ها و نیازهای نوجوانان گویای این نکته است که تاکنون در هیچ اثر پژوهشی مستقلی ویژگی‌های روان‌شناختی نوجوانان دختر و پسر که ریشه در فطرت بکر انسانی داشته باشد و در روایات اسلامی، زیربنابودن آنها برای تربیت تبیین شده باشد، بررسی نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف پوشش دادن این خلأ علمی نگاشته شده است.

1. Kevin, O., Shaun, K., Latricia, T., & Kevin, B.
 2. Checkley, k.

۲-۳. مفهوش‌شناسی متغیرهای اصلی

۱-۲-۳. تربیت در لغت و اصطلاح

واژه تربیت در لغت به معنی پروراندن، پروردن، آموختن، تأدیب و سیاست، ترقی و برتری و احسان و تفقد نسبت به شاگرد و دیگرزیردستان است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ۴/۵۷۷۶) تربیت از ریشه ربی و ربأ است که به برتری، رشد و علو دلالت می‌کند. این واژه در اصطلاح یعنی، فراهم‌کردن زمینه و امکانات برای رشد و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های بالقوه انسان و هدایت آن به صورت مطلوب. (میناگر، ۱۳۹۰) تربیت زمانی مطلوب فطرت انسان است که رسیدن به هدف‌های طولی در سطوح رفتاری، کلی و غایی تأمین شود و تمام فعالیت‌های زندگی برای دستیابی به هدف خلقت تنظیم شود.

۲-۲-۳. مفهوم ویژگی‌های روان‌شناختی فطری

منظور از ویژگی‌های روان‌شناختی فطری ویژگی‌های روانی شناختی و عاطفی است که هماهنگ با هدف آفرینش بوده و در اصل خلقت انسان سرشته شده است. فطرت نحوه خاصی از آفرینش و خلقت است که حقیقت انسان به آن نحو سرشته شده است و از یک سلسله امور روانی خدادادی حکایت می‌کند که در میان همه انسان‌ها مشترک است و هر یک از آنها اقتضائاتی خاص دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۹) که یکی از آنها بینش شهودی، گرایش آگاهانه و پرستش خاضعانه حضرت حق است (جوادی آملی، ۱۳۷۲).

۳-۲-۳. مفهوم نوجوان

در عربی واژه‌های مختلفی به معنای نوجوان آمده است که در روایات اسلامی برای تربیت و هدایت در دوره نوجوانی از آنها استفاده شده است که عبارتند از:

اول) واژه الحدث به معنای نوجوان: «شاب حدث و شابه حدثه یعنی فتيه في السن» (فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳/۷۷). حدثه السن کنایه از جوانی و اول عمر است و حدثان جمع حدث است و به معنای کسانی است که در سن نوجوانی هستند: «حدثه السن کنایه عن الشباب و اول العمري» (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲/۱۳۲) و یا کسی که در سنین تروتازگی و شادابی است: «الرجل الحدث: الطری السن» (ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲/۳۶). در تعبیر امام صادق علیه السلام منظور از کلمه احداث

در «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ» (حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق) نوجوانانی هستند که توصیف شده‌اند به اینکه در این دوره سنی نسبت به دیگر مراحل رشد، سریع‌تر به کارهای خیرروی می‌آورند.

دوم) الغلام: در روایات مختلف غلام به معنای نوجوان آمده است. ریشه آن غ.ل.م است و بر تازگی و بلوغ جنسی دلالت می‌کند و به معنای کسی است که تازه سببش درآمده است: «الذی طر شاربه ای طلع و ظهر». (ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۸۷/۴) در روایت آمده است که ابی بجیر عالم اهوازی می‌گوید:

به خدمت ابن حنفیه برادر امام حسین علیه السلام رفتم. غلام نوجوانی وارد شد. ابن حنفیه به او سلام کرد و گفت یا سیدی و بلند شد و میان دو چشمانش را بوسید. وقتی نوجوان رفت گفتم شما این غلام را سیدی خطاب کردید و در برابرش ایستادی و شما به او سلام کردی؟! گفت بلی او امام من است. گفتم مگر او کیست؟ گفت او علی بن الحسین علیه السلام است. (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۲/۴۶)

سوم) المراهق: «الغلام الذی دَأَى الحُلْم»؛ در زبان عربی به نوجوانی که نزدیک به احتلام شده است، مراهق می‌گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۴۵۱/۲). گاهی در روایات، وصف شاب به معنی تازه جوان آمده است (ر.ک.، طبرسی، ۱۴۱۲ هـ.ق).

چهارم) «الْفَتَى فِي الْأَصْلِ يُقَالُ لِلشَّابِّ الْحَدَثِ؛ فتی به کسی می‌گویند که در آغاز جوانی است». (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۳۷/۲۰) این کلمه معادل نوجوان است. مؤنث آن فتیاه و جمع آن فتیه، فتیان و فتیات است. گاهی از این واژه به عبد و کنیز هم تعبیر می‌شود؛ مانند آیه ۳۰ سوره یوسف (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق). منظور از فتیات در آیه ۲۵ سوره نساء تازه جوان است. در روایات هم به همین معنی آمده است (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۳۷۶).

۳-۳. ویژگی‌های روان‌شناختی فطری در تربیت مطلوب

تربیت مطلوب شامل تغییرات رشدی، کمالی پایدار و تکاملی شدن انسان است. اینکه انسان چه باید بشود، مبتنی بر این است که انسان چگونه است، چه می‌خواهد و چه توانمندی‌هایی برای بالندگی دارد. شناخت ویژگی‌های روان‌شناختی فطری، رسیدن به اهداف تربیت و فرآیند رشد مطلوب انسان را فراهم می‌کند و به آنها این امکان را می‌دهد که

مسیر زندگی را به سوی سعادت، درست انتخاب کنند و با مسائل و مشکلات زندگی به طور منطقی و واقع بینانه روبرو شوند.

۳-۱-۳. کمال جاویدخواهی

میل به کمال یکی از اصیل ترین امیال است که فقط مخصوص انسان نیست بلکه شامل حیوان نیز می شود؛ آنچه ویژه انسان است درجه خاصی از این کمال است که در حیوان یافت نمی شود. تفاوت میان انسان و حیوان در حوزه تشخیص مصداق کمال است. حکما و عرفا بر وجود این گرایش فطری تأکید بسیار کرده اند. آیت الله شاه آبادی در این باره می گوید: «اگر ما به فطرت رجوع کنیم، درمی یابیم که او عاشق کمال مطلق است، به طوری که اگر به همه حقایق کیهانی آگاه شود آن را آرزو می کند» (درودی و ملکی، ۱۳۹۲). امام علی علیه السلام با توجه به اینکه در جست و جوی کمال بودن انسان از عقل او ناشی می شود، می فرماید: «العَاقِلُ يَطْلُبُ الكَمَالَ وَالْجَاهِلُ يَطْلُبُ الْمَالَ؛ در زندگی عاقل است که به دنبال کمال است» (آمدی تمیمی، ۱۴۱۰ هـ.ق). نوجوانی دوره ای است که کمال جویی به اوج خود می رسد و نوجوان توانایی هایش را بسیج می کند تا مراتب کمال را کسب کند و به آنچه به صورت فطری در زندگی طالب آن است، دست یابد. نوجوان همواره می خواهد در مسیر پیشرفت و رسیدن به کمال وجودی حرکت کند به گونه ای که به صورت طبیعی نمی خواهد دو روزش مانند هم باشد. امام صادق علیه السلام درباره نوجوانی که میل طبیعی اش به کمال کم شده است و تلاشش به گونه ای است که دو روزش شبیه هم است و یا روز دوشم بدتر از روز اولش است می فرماید:

آنکه دو روزش برابر باشد، مغبون است و آنکه دومین روزش بدتر باشد، نفرین شده است و آنکه پیشرفت را در خود نبیند به نقصان نزدیک تر است و هر که به نقصان نزدیک تر باشد، مرگ از زندگی برایش بهتر است. (ابن بابویه، ۱۳۷۶)

۳-۲-۳. میل به رشد شناختی و تعالی عقلی - اجتماعی

انسان به صورت فطری خواهان دست یابی به دانش است. این میل در دوره نوجوانی ظهور برجسته ای دارد. نوجوان می خواهد بداند که چه ویژگی های آفرینشی دارد و چگونه باید از دیانت فطری و ارزش انسانی خود محافظت کند. امام علی علیه السلام در پاسخ به همین خواسته نوجوانان، خطاب به فرزند خود و فرزند برادر خود می فرماید:

مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُوبٌ، وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ كَانَ إِلَى التَّقْصَانِ أَقْرَبَ، وَمَنْ كَانَ إِلَى التَّقْصَانِ أَقْرَبَ فَلَمُوتٍ حَيْرَةٌ مِنَ الْحَيَاةِ.

آنکه دو روزش برابر باشد، مغبون است و آنکه دومین روزش بدتر باشد، نفرین شده است. آنکه پیشرفت را در خود نبیند، به نقصان نزدیک تر است و هر که به نقصان نزدیک تر باشد، مرگ از زندگی برایش بهتر است. (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۶۸/۱۷۳)

به طور کلی نوجوان آنچه را در زندگی بدان نیازمند است، بداند و در اولویت تلاش های خود قرار می دهد. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

أولى الأشياء أن يتعلمها الأحداث الأشياء التي إذا صاروا رجالا احتاجوا إليها.

شایسته ترین چیزهایی که نوجوانان باید بیاموزند چیزهایی است که هنگام بزرگسالی به آنها نیاز دارند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۰/۳۳۳)

دانش طلبی و کشف حقیقت در دوره نوجوانی با تبادل نظر، مباحثه و گفت و گو ادامه می یابد؛ زیرا می خواهد در تضارب آرا و ادراکات عقل ها، رشد علمی بیشتری پیدا کند. امام علی علیه السلام برای جهت دهی مطلوب به دانش طلبی نوجوانان، فراهم کردن زمینه بحث و گفت و گو برای آنها را لازم می داند و می فرماید: «مُرُوا الْأَحْدَادَ بِالْمِرَاءِ وَالْمَجْدَالِ؛ نوجوانان را به مباحثه و مناظره سوق دهید» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۰/۲۸۵).

اول، ویژگی های رشد شناختی - عقلی نوجوانان

الف) پیدایش هوش نظری یا تفکر انتزاعی

پیاژه درباره دوره نوجوانی و ظهور تفکر انتزاعی گفته است که: کودکان، مشاهده کنندگان جهان خارجی هستند و در قید واقعیت محصورند (تفکر حسی - حرکتی) و تفکر آنها وابسته به اشیای خارجی است، ولی نوجوان قدرت ذهنی بسیاری دارد که او را از قید واقعیت های خارجی رها می کند و او را به عالم ذهنی و درونی خود متوجه می کند. نوجوانی دوره تفکر انتزاعی است. من نوجوان به اندازه ای قوی است که می تواند دنیا را از نو بنا کند و چنان بزرگ است که می تواند آن را جزئی از خود کند. (میبیدی، ۱۴۱۱ هـ.ق) بر اساس همین تفکر انتزاعی بعضی از نوجوانان خوب می نویسند و وقایع را دقیق مجسم می کنند و بعضی خوب سخنوری می کنند و مفاهیم را در قالب های متعدد بیان می کنند (شرفی، ۱۳۷۵).

ب) ظهور استعدادها

در نوجوانی با افزایش سن، استعدادها نیز اختصاصی ترمی شود، درحالی که در دوران کودکی بروز استعدادها بیش تر عمومی است. یکی از اهداف روان شناسی تربیتی کشف همین استعدادها و کمک به نوجوانان است تا استعدادهای نهان خود را بیابند و شکوفا کنند.

ج) شک و تردید

در دوره نوجوانی ساده اندیشی دوران طفولیت از بین می رود و نوجوان به قضاوت، سنجش و ارزیابی مجدد اشیا، اشخاص، موضوعات و پدیده ها می پردازد تا در نظام ذهنی خود دوباره آنها را بسازد. شاید در همه چیز شک کند و یا به همه چیز حتی افکار و عقاید والدین خود انتقاد کند. نوجوان در این دوره برخلاف دوران کودکی، بزرگسالان را افرادی عاری از عیب و اشتباه نمی داند و کوچک ترین عیب والدین را با ذره بین مخصوص دوره بلوغ، بزرگ می بیند و شاید این اشتباه برای نوجوان قابل تحمل و بخشش نباشد.

نوجوان در وجود خود، باورها و اعتقاداتش شک و تردید دارد نه اینکه آنها را نفی کند بلکه می خواهد آنها را بازسازی کند و آنچه را که از روی تقلید و اطاعت پذیرفته است با استدلال و زیربنای فکری خود بازسازی کند؛ بدین وسیله نوجوان در پی کسب استقلال فکری خود است. در این دوره معلمان و مربیان نباید انتظار داشته باشند که آنچه را می گویند نوجوان بپذیرد؛ آنها باید به این ویژگی شناختی نوجوان توجه کافی کنند و از شک و تردیدهای نوجوان نسبت به موضوعات گوناگون دچار نگرانی و اضطراب نشوند بلکه از شک او برای رسیدن به یقین استفاده کنند. (مطهری، ۱۳۷۶) حضرت علی علیه السلام می فرماید: «ظَنُّ الْإِنْسَانِ مِيزَانُ عَقْلِهِ؛ شک و تردید انسان ملاکی برای عقل اوست» (آمدی تمیمی، ۱۴۱۰ ه.ق). والدین باید این امکان را فراهم کنند که نوجوان پایه های منطقی و فلسفی مسائل اعتقادی را در وجود خود به تدریج بنا نهد.

۳-۳-۳. گرایش به خوبی و خیر

بشر براساس فطرت انسانی خود به ارزش های اخلاقی و خوبی ها گرایش دارد و از بدیها بیزار است. این گرایش با علم خدادادی به خوبی ها و بدیها همراه است؛ یعنی بدون مربی و معلم، اصول اولیه خوبی ها و بدیها را درک می کند. این تشخیص فطری که ناشی از

هدایت تکوینی خداوند است در قرآن شریف به الهام الهی تعبیر شده است. (فرید تنکابنی، ۱۳۷۲، ۳/۳۴۵) «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا. فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ قسم به جان بشر و قسم به خداوندی که آن را کامل و موزون آفرید و نیک و بدش را به وی الهام کرد» (شمس: ۷-۸). امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «قَالَ بَيْنَ هَذَا مَا تَأْتِي وَمَا تَتْرُكُ؛ خداوند بر بشر آشکار فرموده آنچه را که خوب است و باید عملی کند، و آنچه را که بد است و باید ترک کند» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق. ۱/۱۶۳). «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ؛ ما بشر را به خیر و شرش هدایت کردیم» (بلد: ۱۰)؛ امام صادق علیه السلام در تفسیر نجدین می‌فرماید: «مراد خیر و شر است». در دوران نوجوانی و جوانی مفاهیم ارزشی برای انسان توسعه می‌یابد (سلیمانی‌فر، ۱۳۸۳). نوجوان برای انجام نیکی و درست‌کاری حساسیت خاصی دارد و از آن لذت می‌برد. او همواره در اندیشه پاکی و فضیلت است و می‌کوشد که گفتار و رفتارش به راستی و درستی استوار باشد. نوجوان نه تنها بر نادرستی دیگران افسوس می‌خورد و از اعمال ناپاک دیگران رنج می‌برد بلکه در دل آرزو دارد قدرتی به دست آورد تا ناپاکی‌ها را براندازد و دنیای تازه‌ای را بر اساس اخلاق، فضیلت، عدل و انصاف پایه‌گذاری کند (فلسفی، ۱۳۴۴، ۲/۲۴۵). دبس نیز بر این اعتقاد است که نوجوانان در سنین پانزده تا هفده سالگی با ندای تقدس یا شجاعت به لرزه در می‌آیند و آرزومند می‌شوند که جهان را از نو تشکیل دهند، بدی را محو و نابود کنند و عدالت مطلق را حکم فرما کنند (دبس، ۱۳۷۵). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ نوجوانان را دریاب؛ زیرا آنها شتاب بیشتری نسبت به هر امر نیکویی دارند» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق. ۸/۹۳). امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

إِنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ لَهُ ابْنٌ وَكَانَ لَهُ مُحِبًّا فَأَتَى فِي مَنَامِهِ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ ابْنَكَ لَيْلَةً يَدْخُلُ بِأَهْلِهِ يَمُوتُ قَالَ فَلَمَّا كَانَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَبَنَى عَلَيْهِ أَبُوهُ تَوَقَّعَ أَبُوهُ ذَلِكَ فَأَصْبَحَ ابْنُهُ سَلِيمًا فَاتَاهُ أَبُوهُ فَقَالَ يَا بَنِيَّ هَلْ عَمِلْتَ الْبَارِحَةَ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ قَالَ لَا إِلَّا أَنَّ سَائِلًا أَتَى الْبَابَ وَقَدْ كَانُوا ادَّخَرُوا لِي طَعَامًا فَأَعْطَيْتُهُ السَّائِلَ فَقَالَ بِهِذَا دُفِعَ عَنْكَ.

مردی از بنی اسرائیل پسری داشت و برای این پسر دوستی بود که به خواب او آمد و به او گفت که فرزندت در شب عروسی می‌میرد. وقتی که شب عروسی فرزند فرا رسید پدر در انتظار مرگ او بود، ولی صبح متوجه شد که فرزند سالم است. سراغ پسر رفت و پرسید فرزندم آیا شب گذشته کار خیری انجام دادی؟ فرزند پاسخ داد خیر

فقط سائلی در خانه آمد و من غذایی را که برای من فراهم آورده بودند به او دادم. پدر گفت به سبب همین کار، بلا از تو دور شد. (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۵۰۲/۱۴)

شکوفایی گرایش به خیر و خوبی و سجایای اخلاقی در نوجوانان سبب شده است که روان‌شناسان دوران بلوغ را سنین ماورای طبیعت بنامند و در مباحث روان‌شناسی به طور مستقل درباره آن گفت‌وگو کنند. (فلسفی، ۱۳۴۴/۱، ۳۴۲)

۳-۴. دین‌گرایی و حق‌پذیری

گرایش مثبت به واقعیت و حقیقت و پذیرش آن از ویژگی‌های فطری است که در دوره نوجوانی به شکوفایی نسبی می‌رسد. علم به برخی از حقایق که موجب زندگی همراه با کمالات انسانی می‌شود از واقعیت درون نوجوان ناشی می‌شود؛ زیرا دین‌گرایی از حقایق واقعیت درونی انسان است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰). این روحیه به اعتراف بسیاری از روان‌شناسان در آغاز دوران جوانی بسیار فعال شده و رشد می‌کند (خادمی‌کوشا، ۱۳۸۵). دین‌خواهی یکی از خواسته‌های فطری بشر است که با فرارسیدن بلوغ مانند سایر تمایلات طبیعی در نهاد نوجوان بیدار می‌شود و آنها را به مجاهده و کوشش وامی‌دارد. نوجوانان به طور طبیعی گرایش بسیاری به درک مسائل مذهبی دارند و گفتارهای مذهبی را با علاقه مندی و رضایت خاطر می‌شنوند (فلسفی، ۱۳۴۴/۱، ۳۴۲). موریس دبس می‌نویسد:

در دوران بلوغ، نوعی نهضت مذهبی حتی نزد کسانی دیده می‌شود که در گذشته نسبت به مسائل مربوط به مذهب و ایمان بی‌اعتقاد بودند و در سنین کمال و پختگی نیز دوباره به آنها بی‌اعتنا می‌شوند. براساس نظر استانی‌هاال بسیاری از این احساسات مذهبی در سن ۱۶ سالگی پیدا می‌شود. (دبس، به نقل از خادمی‌کوشا، ۱۳۸۵)

درویس اودلوم از روان‌شناسان بلوغ عقیده دارد که در سال‌های بعد از بلوغ بسیاری از پسرها و دخترها داشتن نوعی فلسفه زندگی را برای خود ضروری می‌یابند. وقتی نوجوانان به دنیای اطراف خود می‌نگرند و می‌کوشند شخصیت خود را ارزیابی کنند، احساس می‌کنند درباره طبیعت و معنی وجود انسان و حتی خود، نیازمند پاسخ به پرسش‌هایی هستند. (سلیمانی‌فر، ۱۳۸۳) درویس اشاره می‌کند که امنیت خاطر در گرو پذیرش مذهب است. نوجوانان و جوانان زمانی که به تشکیلات مذهبی وابسته باشند که میلیون‌ها مردم در طی قرون

به آن ایمان داشته‌اند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند (اودلوم، ۱۳۵۴). در تمام ادیان الهی، نوجوانی دوره آغاز عمل به آداب و شعایر دینی و دوره آموزش عملی دین‌داری است. در این دوره است که نوجوان به زندگی مذهبی بزرگسالی وارد می‌شود و دین‌داری را تجربه می‌کند و به باورها و احساسات مذهبی استحکام می‌بخشد (طف‌آبادی، ۱۳۷۹). وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مکه قیام کرد و دعوت خود را بین مردم آشکار کرد شور و هیجان عظیمی بین نوجوانان و جوانان پدید آمد. آنها براساس تمایل فطری دین‌گرایی در اطراف حضرت محمد صلی الله علیه و آله جمع شدند و تحت تأثیر گفتارش قرار گرفتند. این امر باعث بروز اختلافات شدیدی در خانواده‌ها و بین جوانان و سالمندان شد (خادمی‌کوشا، ۱۳۸۵). در مدینه نیز مصعب فرستاده پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول تبلیغ دین بود و آنجا هم جوانان از پیشگامان قبول دین اسلام بودند. مصعب هرروز برای تبلیغ دین میان مردم می‌رفت و بیش از همه جوانان نوری و نوجوانان او را می‌پذیرفتند (طبرسی، ۱۳۹۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به روحیه پاک نوجوانان و جوانان در حق‌پذیری اشاره می‌کند و می‌فرماید:

اوصیکم بالسُّبَّانِ خَبِراً فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفئِدَةٌ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِشِيرَا وَتَذِيراً فَخَالَفَنِي السُّبَّانُ
 وَخَالَفَنِي الشُّيُوخَ .

شما را به نیکی با جوانان سفارش می‌کنم، چراکه آنان، دل‌های رقیق‌تری دارند، به‌راستی که خداوند، مرا بشارت‌دهنده و هشداردهنده برانگیخت، جوانان با من هم‌بیمان شدند و پیران با من به مخالفت برخاستند. (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۹)

ابوجعفر احوال از دوستان امام صادق علیه السلام که مدتی به تبلیغ و نشر تعالیم اهل بیت علیهم السلام مشغول بود روایت کرده است:

روزی خدمت امام علیه السلام رسیدم. امام علیه السلام از من پرسید: «مردم بصره در قبول روش اهل بیت علیهم السلام و سرعت پذیرش آیین تشیع چگونه‌اند؟» عرض کردم: تعداد اندکی از مردم تعالیم اهل بیت علیهم السلام را پذیرفتند. امام علیه السلام به من فرمود: «تبلیغات خود را متوجه نسل جوان کن و به آنها بپرداز؛ زیرا کودکان و نوجوانان برای پذیرش هر خوبی آمادگی بیشتری دارند و حرف حق را زودتر می‌پذیرند». (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۹۳/۸، مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۴۰/۲۲)

۳-۳-۵. محبت و مهربانی

میل به دوست داشته‌شدن و دوست داشتن دیگران از اساسی‌ترین گرایش‌های فطری

است. روان‌شناسان برجسته و صاحب‌نظران این نیاز روانی را در درجه نخست اهمیت قرار داده‌اند. نیاز به محبت فرآیندی فعال و پویاست که از بدو تولد در انسان وجود دارد و به تدریج متنوع و پیچیده می‌شود. برخی از بزرگان مانند خواجه نصیرالدین طوسی این میل فطری را منشأ میل به انس گرفتن و انس پذیر بودن انسان دانسته‌اند و گفته‌اند که واژه انسان از ریشه انس است؛ یعنی انسان انس‌گیر و انس‌پذیر است و مهر می‌ورزد و دوست دارد به وی مهر ورزیده شود. (طوسی، ۱۳۶۹) میل مهرورزی اگر درست هدایت شود نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت انسان دارد؛ زیرا تأمین‌کننده امنیت روحی و روانی او در هنگام مواجهه با مشکلات فردی و اجتماعی است. این میل در دوره نوجوانی هم در بعد دوست داشته شدن و هم در بعد دوست داشتن دیگران جلوه ویژه‌ای می‌یابد. شکوفایی این استعداد فطری از طریق هنر محبت و مهرورزی (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۵، ۸/۶) باعث شکل‌گیری شخصیت سالم در نوجوان می‌شود. پیشوایان دین، دوست داشتن قلبی و ابراز کردن این محبت و میل باطنی را برای زمینه‌سازی و ایجاد نشاط روانی نوجوانان لازم می‌دانستند و خود با ابراز علاقه به آنها نیروهای خلاق درون آنها را شکوفا می‌کردند. معصومان علیهم‌السلام به کودکان، نوجوانان، خانواده و اطرافیان خود به طور متناسب محبت می‌کردند و با احترام، تحسین و تشویق، شخصیت آنها را بارور می‌کردند و علاقه آنها را به سمت وسوی مسائل و عملکردهای مناسب سامان می‌دادند (ر.ک. حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱۶/۱۷۱). محبت متناسب، بستری را در وجود نوجوان آماده می‌کند که تعلیم و تربیت دینی را در برابر همه اغواهای شیطانی بپذیرد و زمینه‌ساز رشد و تکامل وی شود (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۱/۲۲۲).

در منابع روایی تأکید بر این است که پیش از آنکه نوجوان تحت تأثیر عوامل اغوایی قرار گیرد، جذب راه‌های بیگانه شود، افکار نادرست عقل و اندیشه‌اش را فراگیرد، دلش مرده و سخت شود و نتواند خوب و بد را از یکدیگر تشخیص دهد، والدین و مربیان باید به تربیتش همت کنند؛ تربیتی منظم و متعالی به صورتی که در سایه اندیشه و تفکر به امور مربوط به خودش اقدام کند و از تجربه‌های مکرر و انجام آزمایش‌های دوباره که اهل تجربه انجام داده‌اند، معاف شود و به تجربه مجدد نیاز نداشته باشد. (ر.ک. رضی، ۱۴۱۴ ه.ق) امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «فَبَادِرْهُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُقَ قَلْبُكَ وَ يَسْتَعْلِلَ لُبُّكَ لِيَسْتَقْبِلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا

قَدْ كَفَاكَ أَهْلَ التَّجَارِبِ بُعْيَتُهُ وَتَجْرِبَتُهُ». از جلوه‌های ارزشمند محبت در دوره نوجوانی دوستی صمیمانه با خدا (رک، هندی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۶/۱۲۴) و مرکزیت دادن به آن در همه روابط محبتی دیگر است. امام صادق علیه السلام درباره چنین نوجوانی می‌فرماید:

إِنَّ أَحَبَّ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى شَابٌّ حَدَّثَ السِّبْرَ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ جَعَلَ شَبَابَهُ وَجَمَالَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى ذَاكَ الَّذِي يُبَاهِي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مَلَائِكَتَهُ فَيَقُولُ هَذَا عَبْدِي حَقًّا.

محبوب‌ترین خلایق نزد خدا نوجوان خوش‌سیمایی است که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و در راه طاعت او بگذارد. خداوند رحمان به وجود چنین نوجوانی برفرشتگان می‌بالد و می‌فرماید: «این است بنده راستین من». (دیلمی، ۱۴۰۸ هـ.ق)

همچنین در جایی دیگر می‌فرماید:

لَا يُمَخِّصُ رَجُلٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَأَبِيهِ وَآمِهِ وَوَلَدِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ وَمِنْ النَّاسِ كُلِّهِمْ.

ایمان فرد، خالص نمی‌شود تا آنکه خداوند در نظر او از پدرش، مادرش، فرزندان، خانواده و هر آنچه از مردم دارد، محبوب‌تر باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۶۷/۲۴) در دعاها نیز آمده است: «بارالها! دوستی‌ات را محبوب‌ترین چیزها برایم قرار ده». (هندی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲/۱۸۲) باید به نوجوان بیاموزند که روابط خود با غیر خدا را بر اساس رابطه با خدا تنظیم کند و در دوستی با اولیای خدا، پدر، مادر و دیگران جلوه‌های دوستی با خدا را داشته باشد. این محوریت دوستی خداوند موجب دریافت محبت خداوند می‌شود (رک، آل‌عمران: ۳۱). در حدیث معراج آمده است: *شیراز و مطالعات فرهنگی*

آن‌انکه به خاطر من با یکدیگر دوستی ورزند و به هم مهرورزند مستحق محبت من هستند و آن‌انکه به خاطر من با یکدیگر پیوند و ارتباط برقرار کنند و به من توکل کنند مستحق محبت من هستند؛ دوستی من نشانی و فرجامی و پایانی ندارد. (دیلمی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱/۱۹۹)

دوستی با خدا دو مؤلفه دارد؛ یکی مؤلفه ایجابی که از آن به تولی یاد می‌شود و دیگری مؤلفه سلبی که در آموزه‌های دینی تبری نامیده می‌شود. (شجاعی، ۱۳۸۶) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَاجِبٌ وَالْوَلَايَةُ لَهُمْ وَاجِبَةٌ وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَاجِبَةٌ؛ دوستی در راه خدا واجب است و دشمنی در راه خدا نیز واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۷/۵۲).

پیامبر اکرم ﷺ به یکی از اصحاب خود فرمود:

أَحْبَبُ فِي اللَّهِ وَأَبْغَضُ فِي اللَّهِ وَوَالٍ فِي اللَّهِ وَعَادٍ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تَنَالُ وَلَايَةَ اللَّهِ إِلَّا بِدَلِيكَ.

به خاطر خدا دوست بدار و به خاطر خدا نفرت داشته باش و به خاطر خدا دوستی

کن و به خاطر خدا دشمنی ورز؛ زیرا دوستی خدا جز با اینها به دست نیاید. (ابن بابویه، ۱۳۷۶)

۳-۶. روحیه استقلال خواهی و عدم وابستگی به دیگران

دوره نوجوانی و جوانی برعکس دوره کودکی دوره گسست از وابستگی به خانواده و اعتماد به توانایی‌های خویش و قدرت شخصی و استقلال خواهی است. با شروع دوره بلوغ، نوجوان به طور آگاهانه دنیای جدیدی را برای خود ترسیم می‌کند که در آن نقش اصلی از آن خود اوست. نوجوان خودش را صاحب حق رأی، نظر و قدرت عمل می‌داند، خود را از خانواده جدا می‌کند و در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کند. مشارکت جویی نوجوان در چرخه فعالیت‌های اجتماعی، دینی و سیاسی در راستای تأمین همین گرایش فطری اوست. (حسینی‌زاده و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۶) از نظر متون اسلامی دوره نوجوانی دوره وزارت است: «الْوَلْدُ سَيِّدٌ سَيِّعَ سَيْنِينَ وَ عِبْدٌ سَيِّعَ سَيْنِينَ وَ وَزِيرٌ سَيِّعَ سَيْنِينَ» (طبرسی، ۱۴۱۲ هـ.ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱/۱۰۱، ۹۵). وزیر اگرچه در حوزه کاری خود مستقل است، ولی باید براساس قانون اداری دولت حرکت کند؛ نوجوان نیز اگرچه توانایی‌های ادراکی، جسمی و بدنی ویژه‌ای دارد، به همان میزان شهوت و غریز در او شعله‌ور است و بی‌تجربگی و عدم پختگی ممکن است او را در مقابل نفس شکست دهد، پس باید با حفظ روحیه استقلال خواهی و مشارکت جویی او را قانون‌مند تربیت کرد (حسینی‌زاده و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۶). وقتی استقلال طلبی فطری نوجوان شکوفا شود در انجام کارها به خود اعتماد دارد. البته نه به این معنی که خود را از کمک و مشورت دیگران بی‌نیاز بداند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لِيَجْتَمِعَ فِي قَلْبِكَ الْإِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَالِاسْتِعْنَاءُ عَنْهُمْ فَيَكُونَ اِفْتِقَارَكَ إِلَيْهِمْ فِي لَيْنِ كَلَامِكَ وَ حُسْنِ بَشْرِكَ وَ يَكُونَ اسْتِعْنَاءُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عَرَضِكَ وَ بَقَاءِ عَزِّكَ.

لازم است هر انسانی در باطن خود نسبت به مردم دو حس داشته باشد: یکی احتیاج به آنها و دیگری بی‌نیازی از آنها؛ احساس احتیاج را با سخنان نرم و روی گشاده خود آشکار کند و بی‌نیازی خود را با اجتناب از زبونی و حفظ شرافت شخصی

خود ظاهر کند. (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۱۴۹؛ فرید تنکابنی، ۱۳۷۲، ۳/۲۹۵)

احساس استقلال خواهی و عدم وابستگی به دیگران از خودباوری و اتکاء به نفس است. خودباوری یعنی، فرد خودش را قبول داشته باشد و به عقل و عزم و تصمیم و توانمندی های خود در انجام کارها اعتماد کند و در زندگی روی پای خود بایستد. دانشمندان تمام موفقیت های فردی و اجتماعی انسان ها را ناشی از اعتماد به نفس دانسته اند؛ افراد متکی به نفس، انسان های مستقلی هستند، در خود احساس اطمینان می کنند، اهل سعی و عمل هستند، در انجام وظایف خود کوشا و جدی هستند، و هرگز زیر بار ذلت و زبونی نمی روند. (فرید تنکابنی، ۱۳۷۲/۳، ۲۹۵)

روایات اسلامی تکیه بر خود و عمل خود را محور خوشبختی می دانند و افراد را از اینکه بخواهند با آمال و آرزوهای دور و دراز به جایی برسند، برحذر می دارند. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «الْعَاقِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى عَمَلِهِ الْجَاهِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى أَمَلِهِ؛ افراد عاقل به سعی و کوشش خود تکیه می کنند، ولی مردان نادان به آمال و آرزوهای خود متکی هستند» (آمدی تمیمی، ۱۴۱۰هـ.ق). امام علی علیه السلام در نصایح خود به امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید: «إِيَّاكَ وَ الْإِيكَالَ عَلَى الْمُنَى فَإِنَّهَا بَصَائِعُ التَّوَكُّي؛ فرزند عزیزم بپرهیز از اینکه بر آرزوهای نفسانی خود اعتماد کنی؛ زیرا تکیه بر آرزوها متاع مردم احمق و کم خرد است» (رضی، ۱۴۱۴هـ.ق). خداوند متعال می فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى. وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى؛ برای آدمی جز حاصل کوشش او پاداشی نیست و نتیجه سعی و کوشش هر کس به زودی مشاهده می شود» (نجم: ۴۰-۳۹). «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيئَةٌ؛ هر انسانی در گرو اعمال خویش است» (مدثر: ۳۸).

آنچه هر فردی می تواند به آن تکیه کند، خود فرد و اعمال و کردارش است. در روایات اسلامی توصیه شده است که نوجوانان و جوانان باید متکی به خود باشند و وابسته به دیگران نباشند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ؛ آنکه خود را اجیر دیگری کند در روزی را به روی خود بسته است» (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۹۰). در جای دیگر می فرماید: «وَكَيْفَ لَا يَحْظُرُهُ وَ مَا أَصَابَ فِيهِ فَهُوَ لِرَبِّهِ الَّذِي آجَرَهُ؛ کسی که هر چه به دست می آورد از آن کارفرمایی است که او را اجیر کرده است، چگونه روزیش بسته نشود» (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۹۰). امام صادق علیه السلام نیز با مذمت وابستگی به دیگران، حس استقلال طلبی در کار و زندگی را در جوان تقویت می کند. در احادیثی دیگر، بی نیازی از مردم که نشانه استقلال جوان است توصیه شده است و نتیجه آن را عزت می داند. امام علی علیه السلام می فرماید: «الْغِنَى الْأَكْبَرُ الْيَأْسُ عَمَّا فِي

أَيُّدِي النَّاسِ؛ بزرگ‌ترین بی‌نیازی نومیدی از چیزهایی است که در دست مردم است» (رضی، ۱۴۱۴ه.ق.).

۷-۳-۳. مسئولیت‌پذیری

با شروع دوره نوجوانی درک عقلی و میل طبیعی انسان به مسئولیت‌پذیری افزایش می‌یابد و نوجوان احساس تکلیف می‌کند و از نظر فقه اسلامی تکالیف الهی متوجه آنها می‌شود و در مقابل عدم انجام آنها و یا انجام کارهای خلاف مؤاخذه می‌شود. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «تَجِبُ وَالْحُدُودُ إِذَا احْتَلَمَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ه.ق، ۱۳۲/۸۵). این امر نشان می‌دهد که در دوره نوجوانی، فرد می‌تواند مسئولیت‌پذیر باشد؛ زیرا شخصیتش به اندازه‌ای رشد کرده است که در نگاه دینی، مکلف نامیده می‌شود و بزرگ‌ترین حادثه در فرآیند رشد و تربیت دینی در این دوره رقم می‌خورد و موظف به پذیرش تکالیف و مسئولیت‌های ویژه دینی می‌شود (حسینی‌زاده و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۶). به دلیل مسئولیت‌پذیر بودن نوجوان است که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این مرحله را مرحله وزارت و مشاوره والدین با او در امور خانه و زندگی خانوادگی می‌داند: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ» (طبرسی، ۱۴۱۲ه.ق.). نوجوانان به دلیل احساس مسئولیت، نه تنها در مقابل کج‌روی، انحراف، جهالت و فساد سکوت نمی‌کنند و یا در جریان آن حل نمی‌شوند بلکه در برابر حرکت جامعه و خانواده و نزدیکان، خود را مسئول می‌دانند؛ آنها از اینکه دیگران در منجلاب فساد و بیراهه‌های سرگردانی به سوی نابودی در حرکت باشند، رنج می‌برند. نوجوان می‌داند که هرانسانی مسئول اعمال خودش است (رک.، انعام: ۱۰۴؛ مدثر: ۳۸) و همه اعضای او مانند گوش، چشم و دل مسئولیت دارند (رک.، اسراء: ۳۶) و انسان، خودش سرنوشت را رقم می‌زند (رک.، رعد: ۱۱).

خداوند در قرآن کریم فرموده است که انسان نمی‌تواند بار گناه دیگری را به دوش بکشد؛ چه خویشاوندان (رک.، فاطر: ۱۸) و چه گذشتگان (رک.، بقره: ۱۳۴) هرکس در برابر اعمال خود مسئول است (رک.، نحل: ۹۳) و تنها نتیجه اعمال خود را دریافت می‌کند (رک.، فصلت: ۴۶) و در برابر نعمت‌هایی که به او داده شده است، بازخواست می‌شود (رک.، تکهاتر: ۸). هرکس کار شایسته کند، سود می‌برد و هرکس کار بد کند، زیان می‌بیند (رک.، انعام: ۱۶۴؛ جائیه: ۱۴-۱۵).

(بوالهری، نوری قاسم‌آبادی و رضانی فرانی، ۱۳۷۸)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام تأکید می‌کند که هرکس بار مسئولیت خویش را خودش باید بردوش

بگیرد و اگر از انجام وظیفه شانه خالی کند، دیگری بار مسئولیت او را حمل نمی‌کند. (ر.ک.، ورام‌بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰ه.ق، ۶/۱) نوجوان نسبت به خانواده خود نیز احساس مسئولیت می‌کند؛ قرآن کریم در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید» (بوالهروی، و همکاران، ۱۳۷۸). بنابراین، این انسان است که از بین تمام موجودات عالم مسئولیت پذیرش تکلیف الهی را به عهده گرفته است؛ مسئولیتی که آسمان‌ها و زمین از پذیرش آن سرباز زدند: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: ۷۲) و در عین حال خود و هر انسان دیگر را مسئول اعمال خویش می‌دانند: «أَلَا تَرَىٰ رُوزِرَةً وَرُزْرًا أُخْرَىٰ. وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ» (نجم: ۳۸-۳۹).

پیامبر اسلام ﷺ با توجه به مسئولیت‌پذیری نوجوانان و جوانان تلاش می‌کرد که مسئولیت‌های فرهنگی-اجتماعی به آنها بدهد؛ برای نمونه جوان نرسی به نام مصعب بن عمیر را که فضایل اخلاقی و رفتار منطقی و دینی داشت، مبلغ و مربی شهر یثرب قرار داد. وی اولین کسی است که در مدینه نماز جمعه و جماعت برپا کرد و عاقبت نیز در جنگ احد شهید شد (ر.ک.، طبرسی، ۱۳۹۰) اولین فرماندار مکه که پس از فتح مکه با عنوان امیر از سوی پیامبر ﷺ برگزیده شد، عتاب بن اسید ۲۱ ساله بود؛ وی اولین امیری بود که نماز جماعت را در مکه برپا کرد (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳ه.ق، ۲۱/۱۲۲). آخرین فرمانده منتخب رسول الله ﷺ نوجوان هجده ساله‌ای به نام اسامه بن زید بود؛ پیامبر ﷺ به اندازه‌ای در پیروی از لشکر اسامه تأکید کرد که حتی متخلفان از فرمان او را نفرین کرد (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ه.ق، ۶۸۱/۳). اولین مسلمانی که در سن سیزده یا پانزده سالگی برای یاری پیامبر ﷺ اعلام آمادگی کرد، امام علی عليه السلام بود که پیامبر ﷺ او را در همین سنین برای وصایت و جانشینی خود انتخاب نمود (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۴ه.ق، ۵/۲۷۷)؛ وی اولین مسلمان و اولین یاور پیامبر ﷺ در محیط شرک‌آلود و خفقان آور مکه بود که در مراسم دعوت خویشاوندان پیامبر عليه السلام وصی، جانشین و معاون پیامبر عليه السلام معرفی شد.

۳-۳-۸. حفظ و ارتقا بخشی عزت نفس

عزت خواهی انسان در دوره نوجوانی تبلور بیشتری پیدا می‌کند. عزت در لغت به معنی صلابت، قوت و حالت شکست‌ناپذیری است. عزت حالتی است که نمی‌گذارد انسان مغلوب کسی و چیزی شود و شکست بخورد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹) عزت در مورد انسان یعنی، آبرو، شخصیت و عدم کرنش در برابر صاحبان زرو زور (عبدوس و اشتهازدی، ۱۳۷۵). اصل عزت برای خداوند است و هر کسی که طالب عزت باشد، باید به او متصل باشد: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰) و عزت او را پاس دارد؛ در این صورت است که خدا فرد را عزتمند می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّهُ جَلَّ إِسْمُهُ قَدْ تَكْفَلَ بِنَصْرِهِ مَنْ نَصَرَهُ وَ إِعْزَازِ مَنْ أَعَزَّهُ؛ خداوند که نام او بزرگ است، یاری کند هر کسی که او را یاری کند و عزت بخشد هر کسی که او را عزیز دارد» (رضی، ۱۴۱۴ه.ق). شرط اعطای عزت، دوری از شرارت است؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ بَرِيَ مِنَ الشَّرِّ نَالَ الْعِزَّةَ» هر که از شر و بدی برائت جوید، به عزت دست یابد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ه.ق). از مصادیق بارز عزت نفس بی‌نیاز دانستن خود از دیگران است که همواره در روایات به آن توصیه شده است و کسانی که چنین صفت ارزنده‌ای دارند، مدح شده‌اند. در خصال به نقل از سهل بن سعد آمده است که جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و فرمود: «شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ اللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِعْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ؛ بدان که بزرگی آدمی به شب‌زنده‌داری و عزت او در بی‌نیازی از مردم است» (کلینی، ۱۴۰۷ه.ق، ۲/۱۴۸). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْغِنَى الْأَكْبَرُ الْإِيَّاسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛ بزرگ‌ترین بی‌نیازی، نومیثی از چیزهایی است که در دست مردم است» (رضی، ۱۴۱۴ه.ق) و نیز فرمود: «الدُّلُّ فِي مَسْئَلَةِ النَّاسِ؛ خواری در خواستن از مردم است» (لیثی الواسطی، ۱۳۷۶). امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید: «رَأَيْتُ الْحَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الظَّمْعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛ تمام خیر و برکت را در بریدن طمع از آنچه دست مردم است، یافتیم» (کلینی، ۱۴۰۷ه.ق، ۲/۱۴۸).

برای پرورش عزت خواهی نوجوانان باید ابتدا در بیدار کردن عزت خواهی فطری و شکوفاسازی و پرورش آن در این دوره کوشید؛ دوم اینکه باید دانست که خداوند آنها را عزیز آفریده است؛ سوم اینکه آثار عزت‌مندی در زندگی دنیوی و اخروی آنها تبیین شود؛ چهارم اینکه آموزش ببینند که برای کسب عزت رابطه محکمی با خدا لازم است؛ پنجم اینکه با آنچه از امور متضاد با عزت است، آشنا شوند و عوارض رفتارهای غیر عزتمندانه

برایشان تبیین شود. نوجوان چون عزتمندی و جایگاه بالای خود را نزد خداوند می داند، کاری نمی کند که نارضایتی او را در پی داشته باشد. او همچنین افراد جامعه را عزتمند می داند و حاضر نمی شود به آبرو، احساس، کرامت، جایگاه، عقاید و اندیشه افراد جامعه آسیب رساند. وقتی فرد عزتمند باشد، بی گمان با دیگر افراد جامعه نیز برخورد عزتمندانه خواهد داشت و در رابطه و تعاملات خود با دیگر افراد جامعه از این ارزش انسانی استفاده خواهد کرد. نوجوانان دوست دارند مقبولیت اجتماعی داشته باشند و این در برقراری رابطه مطلوب و عزت مندانه آنها با دیگران مؤثر است.

۳-۳-۹. تمایل به فعالیت های پرشور و نشاط

از مشخصات نوجوانی شکوفایی نشاط فطری و انجام فعالیت های شورآفرین است. نشاط با امید به آینده و روشن نگه داشتن نیازها، علایق، خواسته ها و تمایلات خدادادی همراه است. امام علی علیه السلام با توصیه به نشاط به برخی از پیامدهای مطلوب آن اشاره می کند و می فرماید: «السُّرُورُ يَبْسُطُ النَّفْسَ وَيُثِيرُ النَّشَاطَ؛ نشاط و شادمانی مایه بهجت و انبساط روح آدمی است» (آمدی تمیمی، ۱۴۱۰ه.ق). امام علی علیه السلام بهره مندی از فرصت های بهجت زار از ویژگی های افراد عاقل می داند؛ زیرا آنها فرصت ها را مغتنم می شمارند و از آنها به نفع خوشبختی و سعادت خود استفاده می کنند (آمدی تمیمی، ۱۴۱۰ه.ق). توصیه پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره بر این بوده است که اوقاتی از شبانه روز را به تفریح اختصاص دهند. امام رضا علیه السلام می فرماید:

اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا يَا عِظَمَاءَ مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَمَا لَمْ يَثْلُمِ الْمَرْؤَةُ وَ لَا سَرَفَ فِيهِ وَ اسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدُّنْيَا.

از لذایذ دنیوی نصیبی برای کام یابی خود قرار دهید و تمنیات دل را از راه های مشروع به دست آورید، مراقبت کنید در این کار به مردانگی و شرافتتان آسیب نرسد و دچار اسراف و تندروی نشوید، تفریح و سرگرمی لذت بخش شما را در اداره زندگی یاری می کند و با کمک آن بهتر به امور دنیای خویش موفق خواهید شد. (مجلسی،

۱۴۰۳ه.ق، ۳۴۶/۷۵)

امام صادق علیه السلام فرمود:

يَتَّبِعِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ يُفْضِي بِهَا إِلَى عَمَلِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَاعَةٌ يُلَاقِي إِخْوَانَهُ الَّذِينَ يُفَاوِضُهُمْ وَيُقَاوِضُونَهُ فِي أَمْرِ آخِرَتِهِ وَ سَاعَةٌ يُحَلِّي بَيْنَ

نَفْسِهِ وَ لَدَائِمَاتِهَا فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ فَإِنَّهَا عَوْنٌ عَلَى تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ .

شایسته است که مسلمان عاقل ساعتی از روز خود را برای کارهایی که بین او و خداوند انجام می‌گیرد، اختصاص دهد و ساعتی برادران ایمانی و دوستان خود را ملاقات کند و در امور معنوی و اخروی با آنها گفت‌وگو کند و ساعتی، نفس خود را با لذایذی که گناه نباشد، آزاد بگذارد و این ساعت لذت، آدمی را در انجام وظایف دو ساعت دیگر کمک می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق. ۸۷/۵)

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاوُدَ ع يَا دَاوُدُ بِي فِرْحٍ [فَأَفْرَحُ] وَ بِيذِكْرِي فَتَلَذَّذْ وَ بِمَنَاجَاتِي فَتَنَعَّم .

خداوند به داوود پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام وحی فرستاد: «ای داوود به وجود من شادی کن و از یاد من لذت ببر و با مناجات من متنعم باش». (ابن بابویه، ۱۳۷۶)

شادی و فرح، نعمتی خداوندی است و خداوند نعمت شادمانی را به انسان بخشیده است: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا؛ بگو به فضل و رحمت خداست که (مؤمنان) باید شاد شوند» (یونس: ۵۸). گشاده‌رویی از صفات برجسته مؤمن است و مؤمنان از عبوس بودن بیزارند. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْمُعْبَسَ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ؛ خداوند کسی را که در مقابل برادران دینی خود عبوس و اخمو باشد، دشمن می‌دارد» (نوری، ۱۴۰۸ ه.ق. ۳۲۱/۸). دین اسلام پیروان خود را به شادی‌های مثبت و سازنده و مفرح دعوت می‌کند؛ زیرا استفاده از امور مفرح در زمان مناسب و با رعایت حدود لازم برای تجدید نشاط و کاستن از یکنواختی زندگی بسیار مؤثر است (انبیایی، ۱۳۸۶). حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمُلُّ كَمَا تَمُلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ؛ این دلها مانند بدن‌ها خسته و افسرده می‌شوند و نیاز به استراحت دارند. در این حال نکته‌های زیبا و نشاط‌انگیز برای آنها انتخاب کنید» (رضی، ۱۴۱۴ ه.ق.).

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام با تأکید بر لزوم تقویت احساس امید می‌فرماید: «وَإِنَّ مَلَكَةَ الْيَأْسِ قَتَلَةُ الْأَسْفِ؛ هنگامی که ناامیدی قلب آدمی را تسخیر می‌کند تأسف وی را از پای درمی‌آورد». (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق. ۲۱/۸۰). رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ همه افراد به‌ویژه نوجوانان را به فعالیت‌های باشور و نشاط تشویق می‌کرد و می‌فرمود: «الهُوَا وَ الْعَبْوَا فَإِنَّي أُرَهُ أَنْ يَرَى فِي دِينِكُمْ غَلْظَةً؛ بازی کنید و تفریح داشته باشید؛ همانا من ناراحت‌م که در دین شما خستگی و بی‌نشاطی دیده شود» (پابنده، ۱۳۸۲).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

موضوع تربیت والدین، مربیان و مبلغان دینی را از دیرزمان تاکنون به خود مشغول کرده است. تربیت باید براساس ویژگی‌های روان‌شناختی فطری انسانی باشد و باید دانست که انسان چه خصوصیات، چه توانمندی‌ها و چه اهدافی دارد و چه تحولات مطلوبی باید در او رشد کند. شناخت ویژگی‌های روان‌شناختی فطری انسانی برای تربیت، به ویژه در دوره نوجوانی که حساسیت ویژه‌ای دارد، بسیار مهم است. ویژگی‌های روان‌شناختی فطری که ظهور و شکوفایی آنها در دوره نوجوانی اهمیت و ضرورت دارد و در آموزه‌های اسلامی بر آنها تأکید شده است شامل کمال جاویدخواهی، میل به رشد شناختی و تعالی عقلی اجتماعی، گرایش به خوبی‌ها و خیرها، دین‌گرایی و حق‌پذیری، محبت و مهربانی، روحیه استقلال خواهی و عدم وابستگی به دیگران، مسئولیت‌پذیری، حفظ و ارتقابخشی عزت نفس و تمایل به فعالیت‌های پرشور و نشاط است. هدف مقاله حاضر کشف و تبیین این ویژگی‌ها و تأثیر آنها در تربیت مطلوب نوجوان براساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام بود؛ ویژگی‌های روان‌شناختی فطری که زیربنای تربیت مطلوب در دوره نوجوانی است و مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است.

در مورد ویژگی کمال جاویدخواهی تأکید بر این است که در دوره نوجوانی که دوره اوج کمال جویی است، نوجوان در مسیر کمال خود همه توانایی‌هایش را به کار بگیرد تا مراتب کمال را کسب کند و به آنچه به صورت فطری در راستای زندگی جاوید طالب آن است، برسد. در مورد ویژگی میل به رشد شناختی و تعالی عقلی اجتماعی، تأکید بر این است که نوجوان برای آموختن مهارت‌های زندگی با کسب علم و تجربه تلاش کند. در مورد ویژگی گرایش به خوبی و خیر تأکید بر این است که در دوره نوجوانی ارزش‌های اخلاقی و خوبی‌های انسانی فطری شکوفا شود و فرد برای کسب فضایل اخلاقی تلاش کند. در مورد ویژگی دین‌گرایی و حق‌پذیری تأکید بر این است که دین‌خواهی فطری با فرارسیدن بلوغ مانند دیگر تمایلات طبیعی در نهاد نوجوان شکوفا شود و وی را به کوشش وادارد. در مورد ویژگی محبت و مهربانی، تأکید بر این است که هنر محبت و مهرورزی موجب شکل‌گیری شخصیت سالم در نوجوان شود، بدین صورت که والدین و مربیان و خود نوجوان شخصیتی

را پرورش دهند که محبت خداوند، محور محبت‌های نوجوان باشد و از جذب شدنش به عوامل انحرافی دوری شود. در مورد ویژگی استقلال‌خواهی و عدم وابستگی به دیگران، تأکید بر این است که نوجوان فعالیت‌های خود را در چارچوب قواعد زندگی مستقل تنظیم کند و با پذیرش مسئولیت کارهای خود، اعتماد به نفس خود را بیشتر کند. نوجوان باید نسبت به خود و خانواده و دیگران و کمک به پیشرفت جامعه احساس مسئولیت کند. در مورد ویژگی حفظ و ارتقا بخشی عزت نفس تأکید بر این است که حس عزت‌خواهی نوجوان برای کسب مقبولیت اجتماعی و برقراری رابطه مطلوب و عزت‌مندانه با دیگر افراد جامعه پرورش یابد و در مورد ویژگی تمایل به فعالیت‌های پرشور و نشاط نیز تأکید بر این است که نوجوان به‌دور از هرگونه احساس سستی، افسردگی و ناامیدی با شور و نشاط، آینده درخشانی را برای خود بسازد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۶). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: سپهر نوین.
۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۰۴ هـ.ق). شرح نهج البلاغه لابن‌ابی‌الحدید. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۶). الأملی. تهران: کتابچی.
 ۳. ابن‌فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ هـ.ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۴. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ هـ.ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
 ۵. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ هـ.ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
 ۶. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ هـ.ق). مکاتیب الرسول ﷺ. قم: دارالحدیث.
 ۷. اصلانی، ابراهیم (۱۳۹۲). نوجوانی: روان‌شناسی نوجوانی برای والدین و مربیان. تهران: مدرسه.
 ۸. اکبری، ابوالقاسم (۱۳۹۴). مشکلات نوجوانی و جوانی. تهران: مرکز رشد و توسعه.
 ۹. اکبری، ابوالقاسم (۱۳۹۵). نیازهای نوجوانان و جوانان. تهران: مرکز رشد و توسعه.
 ۱۰. انبیبایی، محمدجواد (۱۳۸۶). نقش تفریح در تربیت نوجوان با توجه به آموزه‌های قرآن و حدیث. پایان‌نامه کارشناسی ارشد قرآن و حدیث. قم: دانشگاه اصول‌الدین.
 ۱۱. اودلوم، دوریس (۱۳۵۴). سیری در بلوغ. مترجم: سامی، کاظم، و ریاضی، محمود. تهران: نشر توس.
 ۱۲. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ هـ.ق). غررالحکم و دررالکلم. قم: دارالکتب الاسلامی.
 ۱۳. ابوالهیری، جعفر، نوری قاسم‌آبادی، ربابه، و رمضانی فرانی، عباس (۱۳۷۸). آیات قرآنی در زمینه بهداشت روانی و مربیان مدارس. تهران: انتشارات انستیتو روان‌پزشکی تهران.
 ۱۴. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج‌الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
 ۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد. قم: الزهراء ﷺ.
 ۱۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ.ق). وسائل‌الشیعه. قم: آل‌البیت ﷺ.
 ۱۷. حسین‌خانی، هادی (۱۳۸۵). نگاهی به تحولات دوران نوجوانی جسمی، جنسی، شناختی و اخلاقی. نشریه معرفت، ۱۰۴، ۲۶-۳۳.
 ۱۸. حسینی‌زاده، سیدعلی، و حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۶). بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ ه.ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
۲۰. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ ه.ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۱. خادمی کوشا، محمدعلی (۱۳۸۵). جوان در پرتو اهل بیت علیهم السلام. قم: بوستان کتاب.
۲۲. داودی، بی بی منیژه (۱۳۸۴). بررسی شیوه‌ها و روش‌های ارتباط تربیتی با نوجوانان و جوانان در اسلام. پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی. حوزه علمیه خراسان.
۲۳. دبس، موریس (۱۳۷۵). بلوغ. مترجم: لاله زار، اسحاق. تهران: خورشید نو.
۲۴. درودی، نجمه، و ملکی، حسن (۱۳۹۲). فطرت در آیات و روایات. نشریه معرفت، ۱۸۷ (۲۳)، ۲۹-۴۵.
۲۵. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). منظر مهز: مبانی تربیت در نهج البلاغه. تهران: دریا.
۲۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق). ارشاد القلوب. قم: الشریف الرضی.
۲۸. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ ه.ق). اعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
۳۰. رضی، محمد بن حسین (تدوین) (۱۴۱۴ ه.ق). نهج البلاغه. قم: هجرت.
۳۱. سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۵). معارف اسلامی (راه و رسم زندگی). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۳۲. سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۲). درآمدی بر شناسایی نیازهای انسان از دیدگاه قرآن با تأکید بر برتری نیازهای معنوی در سلسله مراتب نیازها. نشریه مدیریت اسلامی، ۴۱، ۹-۴۳.
۳۳. سلیمانی، فریا (۱۳۸۳). بررسی شخصیت جوان از دیدگاه قرآن، حدیث و علم روان شناسی. تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.
۳۴. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶). نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو. نشریه مطالعات اسلام و روان شناسی، ۱، ۸۷-۱۱۶.
۳۵. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۵). مراحل رشد و تحول انسان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۶. شرفی، محمود، و شرفی، زینت (۱۳۹۲). تحلیل و مقایسه نیازهای تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی. نشریه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۶، ۱۱۹-۱۴۰.
۳۷. شعبانی، اکبر، و باباگل زاده، رامین (۱۳۹۳). روان شناسی تربیت نوجوانان در سیره معصومین علیهم السلام. قم: آوای منجی.
۳۸. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ ه.ق). مکارم الاخلاق. قم: الشریف الرضی.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). اعلام الوری باعلام الهدی. تهران: اسلامیه.
۴۰. طوسی، نصیرالدین (۱۳۶۹). اخلاق ناصری. تهران: خوارزمی.
۴۱. عبدوس، محمد تقی، و اشتهارداری، محمد مهدی (۱۳۷۵). بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان علیهم السلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۲. علاء الدین، محمدرضا (۱۳۸۴). نقش داستان های قرآنی به نیازهای تربیتی کودکان و نوجوانان. نشریه کوثر، ۶۱، ۶۱-۶۹.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ه.ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۴۴. فرید تنکابنی، مرتضی (۱۳۷۲). الحدیث. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۵. فلسفی، محمد تقی (۱۳۴۴). جوان از نظر عقل و احساسات. تهران: دفتر نشر معارف اسلامی.
۴۶. کلیتی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۷. لطف آبادی، حسین (۱۳۷۹). روان شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی. تهران: اسپید.
۴۸. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دارالحدیث.
۴۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ ه.ق). مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹). حکمت نامه جوان. قم: دارالحدیث.
۵۲. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). عدل الهی. قم: انتشارات اسلامی.
۵۴. مهاجر، یحیی (۱۳۷۹). نظری برگذرگاه بلوغ و نوجوانی در: مجموعه مقالات چهارمین همایش بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. زنجان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان.

۵۵. میبدی، حسین (۱۴۱۱ هـ.ق). *دیوان منسوب به امام علی علیه السلام*. مترجم: زمانی، مصطفی. قم: دارنداء الاسلام للنشر.
۵۶. میناگر، عبدالرضا (۱۳۹۰). *اخلاق و تربیت اسلامی*. قم: ابتکار دانش.
۵۷. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ هـ.ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۵۸. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ هـ.ق). *مجموعه ورام*. قم: مکتبه فقیه.
۵۹. هزارجریبی، جعفر، سیدغراب، محمد، جعفری کافی آباد، صابر، و دبستانی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی نیازها، علایق و اولویت‌های دختران نوجوان شهر تهران. *نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۸، ۶۳-۱۰۸.
۶۰. هندی، علاء‌الدین علی المقتی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹ هـ.ق). *کنز العمال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
61. Checkley, k. (2004). Meeting the Needs of the Adolescent Learner. *Journal of Education Update*, 46 (5), 1-4.
62. Kevin, O., Shaun, K., Latricia, T., & Kevin, B. (2010). Needs of elementary and middle school teachers developing online courses for a virtual school. *Journal of Distance Education*, 31 (1), 55-75.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی